



خانواده خوشبخت

مجید رشید پور

تجلیات محبت در زندگی خانوادگی

و کلاسهای درس تعطیل می‌گردید.
دفتر زندگی با کلمه عشق و محبت آغاز شد
و جلوه‌های گوناگون جمال و کمال در کل هستی
پدید آمد. انسانها هم که جزئی از نظام کل
هستی هستند با عشق متولد می‌شوند،
بادلدادگی به تلاش و کوشش می‌پردازند و در
آخرین لحظات زندگی سرشار و لبریز از عشق و
دلدادگی چون حباب‌ها به اقیانوس هستی و
ابدیت می‌پیوندند. پس آغاز و سرانجام زندگی و
هستی از مهر و محبت آکنده است و آنان که از
عشق و دلدادگی خبری ندارند نامشان در دفتر و
جریده انسانها ثبت و ضبط نمی‌شود.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است در جریده عالم دوام ما

اگر می‌خواهیم خانواده استواری داشته
باشیم، اگر مایل هستیم از زندگی لذت و بهره
بگیریم، اگر می‌خواهیم کودکان ما با نشاط و

نظام هستی بر اساس مهر و محبت پروردگار
به انسان پدید آمده است. اگر عشق و محبت
نبود؛ نه طلوعی بود و نه غروبی، نه بهاری بود و
شکفتن گله‌ها و نه نغمه‌های شورانگیز بلبلان
شنیده می‌شد. نه کوهساری وجود داشت و نه
آبشاری، نه امواج غلطان دریاها به چشم
می‌خورد و نه ستارگان در آسمانها چشمک
می‌زدند.

اگر عشق و دلدادگی نبود شوریدگان به دنیا
نمی‌آمدند و اشعار نغز و زیبا سروده نمی‌شد.
اگر سوز و گداز دلدادگان نبود، کوه بیستون
شکافته نمی‌شد و ذوق و هنر هرگز تولد
نمی‌یافت. دیگر معلم شوریده دلی پیدا نمی‌شد

هدف جز در پرتو دوستی و صمیمیت خالصانه امکان پذیر نیست.

رسول خدا (ص) می فرمود: انی احب من دنیاکم ثلاث الطیب والنساء و قرّة عینی الصلوة^۳. من از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: اول بوی خوش، دوم زنان و سوم نماز را که نور چشم من است.

هدف اساسی پیامبر بزرگوار این بوده است که برای همه زنان و مردان این واقعیت را تبیین کند که کانون خانوادگی باید از مهر و محبت لبریز باشد تا زندگی مفهوم واقعی خود را از دست ندهد.

در تاریخ اسلام آمده است^۴ که رسول خدا (ص) قبل از تولد فاطمه موظف شد مدت چهل روز از خدیجه کبری فاصله بگیرد و به اعتکاف بپردازد. خدیجه کبری در این مدت از شوق و عشق رسول خدا (ص) بی تاب شده، اشکهای فراوانی از دیده فرو می ریخت. رسول خدا برخی از مؤمنان را نزد خدیجه فرستاد و پیام داد که این فرقت و دوری به دستور پروردگار می باشد و مهر و محبت ایشان به او کماکان گرم و سوزان است. باتوجه به مقدمات ذکر شده این حقیقت آشکار می شود که زندگی جز در پرتو مهرورزی و محبت کردن امکان پذیر نمی تواند باشد.

در اینجا این سؤال مطرح می شود که زن و شوهر چگونه باید با یکدیگر برخورد داشته باشند تا کانون خانوادگی از مهر و محبت لبریز گردد؟

در پاسخ می گوئیم که هیچ معلولی بدون علت تحقق نمی یابد. برای ایجاد صفا و صمیمیت باید رفتارهای خاصی در محیط خانوادگی حاکمیت داشته باشد تا صفا و

خرمی زندگی کنند، اگر می خواهیم استعداد های خداداد در آنان شکوفا گردد و اگر می خواهیم روح امید و اعتماد و تلاش و کوشش در آنان زنده شود، زندگی خانوادگی را از مهر و محبت لبریز و سرشار نماییم و در ودیوار خانه را با صفا و صمیمیت آذین بندی کنیم.

رسول خدا (ص) می فرمود: هیچ بنایی در نزد پروردگار محبوب تر از بنای خانوادگی نیست.^۱ بدیهی است که منظور خانواده ای است که لبریز از مهر و محبت باشد. در گفتار دیگری فرمود: ما استفاد امر مسلم فائدة بعد الاسلام افضل من زوجة مسلمة تسره اذا نظر اليها و تطیبه اذا امرها و تحفظه اذا غاب فی نفسها و ماله.^۲

مرد مسلمان پس از اسلام فایده ای برتر و والاتر از همسری مسلمان به دست نیاورده است. همسری که هر گاه به او می نگرد سراسر وجودش از شادی و سرور لبریز می گردد. هر گاه از او چیزی را طلب می کند، از او اطاعت می کند و در غیبت شوهرش با همه وجود از ناموس و مال او پاسداری می نماید.

پر واضح است که این گونه ارتباط استوار و صمیمی جز در پرتو مهر و محبت زن و شوهر به یکدیگر امکان پذیر نیست. پیوندهای عاطفی است که زن و شوهر را به وحدت و یگانگی سوق داده، هر دو یکی می شوند و دوگانگی و اختلاف و درگیری از میان برداشته می شود.

در برخی از روایات اسلامی از همسر به اینس موافق تعبیر شده است. پیشوایان دینی با انتخاب چنین کلماتی به همه خانواده ها گوشزد می کردند که زن و مرد در محیط خانوادگی باید با یکدیگر دوست و صمیمی و مونس و همدم یکدیگر باشند. واضح است که وصول به این

هرگز نسبت به یکدیگر زخم زبان نزنند، زیرا هیچ عاملی همانند نیش زدن به صمیمیت خانواده لطمه وارد نمی‌کند. رسول خدا در طول زندگی خود در ارتباط با مسائل شخصی و خانوادگی هرگز زبان به انتقاد نگشود و اگر اعتراض و انتقادی می‌کرد در انحصار مواردی بود که به حدود و قوانین الهی تجاوزی به عمل آمده بود و در غیر این موارد با سکوت و نادیده گرفتن گذشت می‌کرد.

۳- سومین نکته که بسیار حساس است و در ایجاد و حفظ صمیمیت‌ها نقش مؤثری را عهده‌دار است، خوش برخوردی است. همه افراد علاقه دارند که دیگران با آنان برخورد خوبی داشته باشند. بنابراین زن و مرد هم از این قاعده کلی مستثنی نیستند. هر مردی دوست دارد وقتی به خانه قدم می‌گذارد، همسرش با چهره‌ای خندان و با گشاده‌رویی با او برخورد کند. چنانکه زن خانه نیز متوقع است وقتی مرد وارد خانه می‌شود سختی‌ها و دشواری‌های زندگی را فراموش کند و با چهره‌ای متبسم و خندان با همسرش مواجه شود. فراموش نکنیم که برخورد‌های اولیه افراد بسیار مؤثر و نقش آفرین است. به عنوان مثال سبقت گرفتن در سلام و افشای سلام در برخوردها تأثیر بسزایی در دیگران دارد و روحیه‌ها و رفتارها را تغییر می‌دهد. به اعتقاد ما یکی از نشانه‌های بارز خردمندی درزن و مرد خوش برخوردی است. عده کمی هستند که از این توانایی برخوردارند. این گونه افراد در اولین برخورد با دیگران اعم از خردسال و بزرگسال آنان را شیفته و مجذوب خود می‌کنند و در برابر این عده بسیاری از مردم نیز برخوردی خشک و ساده دارند.

پیامبر اسلام در برخورد با دیگران آنچنان

یگانگی فراهم آید. به همین مناسبت به رفتارهایی که موجب ایجاد صفا و صمیمیت می‌شود اشاره می‌کنیم.

۱- اولین عاملی که موجب پدید آمدن صمیمیت می‌شود، خوش اخلاقی است. بدیهی است که منظور از حسن خلق نرمی و ملایمت و تحمل و شکیبایی است. زن و مرد باید سعی کنند در ارتباط با همدیگر روحیات انسانی را در حد کمال مراعات کنند و از تندی و تیزی و عصبانیت و حساسیت‌ها جداً پرهیز نمایند.

از امام حسن مجتبی نقل شده است: لا عیش اللّٰه من حسن الخلق هیچ عیش و زندگی برتر و والاتر از خوش اخلاقی نیست.

سعد بن معاذ^۵ یکی از صحابه رسول خدا بود. وقتی از دنیا رحلت کرد جنازه‌اش با احترام و تکریم خاص به سمت قبرستان تشییع گردید. رسول خدا (ص) در مراسم کفن و دفن وی شرکت داشت و حتی با کمک و مساعدت آن حضرت جنازه در قبر قرار گرفت. همه به حال معاذ غبطه می‌خوردند و مادر معاذ می‌گفت: دیگر در فقدان تو اشک نخواهم ریخت. وقتی مادرش از کنار قبر رفت رسول خدا فرمود: قبر جنازه معاذ را چنان فشاری داد که استخوانهای سینه او درهم شکسته شد. یاران رسول خدا وقتی علت را جویا شدند آن حضرت فرمود: معاذ انسان شایسته‌ای بود، ولی در ارتباط با همسرش تند و تیز بود، از ابراز زخم زبان و نیش زدن‌ها خودداری نمی‌کرد.

۲- دومین عاملی که صفا و صمیمیت را در محیط خانوادگی فراهم می‌آورد خوش زبانی است. زن و مرد خانواده باید از ابراز هر نوع کلمات و الفاظ زننده و کوبنده اجتناب کنند و



گرم و شاداب بود که همه افراد بی اختیار شیفته آن حضرت می شدند. وقتی در برابر جمعی قرار می گرفت نگاههای خود را میان آنان تقسیم می کرد و در برخورد با دیگران در سلام کردن سبقت می گرفت. وقتی با آنان مصافحه می کرد دستهای طرف مقابل را در میان دستهای گرم خود نگه می داشت و بزودی آنها را رها نمی کرد تا به طرف مقابل بفهماند که در دل رسول خدا جایگاه ویژه ای را دارا می باشد. محبت رسول خدا (ص) در ارتباط با مردم آنچنان سرشار و گسترده بود که اگر از مردم سؤال می شد که چه کسی نزد رسول خدا از دیگران محبوب تر است همه مدعی می شدند که نزد رسول خدا از چنین جایگاهی برخوردارند.

۴- نکته چهارم که در ابقای صمیمیت ها بسیار مؤثر می باشد این است که در زندگی خانوادگی، زن و مرد احترام و حرمت یکدیگر را حفظ کنند و در برابر اعضای خانواده و بیگانگان رفتارشان با یکدیگر آنچنان گرم و صمیمی باشد که همه گمان کنند آن دو از کثرت گذشته، به وحدت و یگانگی واقعی رسیده اند. در انجام امور خانوادگی و فامیلی از تک روی پرهیز نمایند و تا رضایت و تمایل طرف مقابل را به دست نیاورده باشند به اظهار نظر قاطع اقدام نکنند. البته ممکن است که در مواردی زن یا مرد بدون در نظر گرفتن نظر و رأی همسرش یک جانبه به گرفتن تصمیماتی اقدام کند. به اعتقاد ما انجام چنین رفتارهایی از طرف مرد و یا زن بزرگترین بی احترامی به حرمت و تخفیف طرف مقابل است.

۵- نکته پنجم اینکه زن و مرد موظف هستند یکدیگر را تأیید و تثبیت کنند و این کار علاوه بر اینکه عملاً انجام می گیرد، باید در

گفتار و رفتار هم انعکاس یابد. به عبارت ساده تر زن و مرد رسماً باید اعتراف کنند که منهای طرف مقابل قادر به زندگی کردن نیستند و این تأیید و پذیرش موجب افزایش صفا و صمیمیت خواهد بود. از رسول خدا نقل شده است که فرمودند: قول الرجل للمرأة انی احبک لایذهب من قلبها ابداً^۶ و وقتی مردی به همسرش می گوید تو را دوست دارم، این جمله هرگز از قلب همسرش زائل نمی شود.

باید توجه داشته باشیم که همه انسانها اعم از مرد و زن در تمام دوران زندگی از شک و تردید برکنار نیستند و این تردید و شک در رفتار و کردارشان نیز منعکس می شود. لذا وقتی مورد تأیید دیگران قرار می گیرند جان و توان تازه ای بر آنان دمیده می شود.

منابع:

- ۱- ما من بناء فی الاسلام احب الی الله من التزویج الزواج فی الاسلام، آیت الله علی مشکینی ص ۶
- ۲- کتاب مکارم الاخلاق، صفحه ۲۰
- ۳- نهج الفصاحه، باب طیب
- ۴- کتاب روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۱۱۱
- ۵- کتاب سفینه البحار، باب سعد بن معاذ
- ۶- سفینه البحار، باب اوصاف مؤمن
- ۷- وسائل الشیعه، جلد ۷، صفحه ۹